

نقد و بررسی کتاب *درایة الحدیث؛ بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، نوشته شادی نفیسی*

رضیه سادات سجادی^۱

(دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۴، نوع مقاله: موردی)

چکیده

هدف از این پژوهش کاربردی، نقد و بررسی و داوری کتاب *درایة الحدیث؛ بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین* نوشته شادی نفیسی و ارائه پیشنهاداتی جهت رفع کاستی‌های کتاب و کارایی بهتر آن و جلوگیری از کج‌فهمی یا بدفهمی خوانندگان است. کتاب مذکور، اولین بار در زمستان ۱۳۸۶ توسط سازمان سمت و دانشکده علوم حدیث مشترکاً به زیور طبع آراسته شد. پس از آن دوازده بار تجدید چاپ شد. نظر به اینکه این کتاب به منزله منبع اصلی درس مصطلح الحدیث برای دانشجویان رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) تدوین شده، بایسته است که اشتباهات علمی در آن وجود نداشته یا کم باشد. روش گردآوری اطلاعات در این نوشتار، کتابخانه‌ای با استفاده از مصطلح‌نامه‌ها و منابع تخصصی در علم *درایة الحدیث* است و در پردازش اطلاعات، از شیوه‌های تجزیه و تحلیل کیفی (نقد و تعریف) استفاده شده است. این مقاله با به کارگیری روش اسنادی و بازبینی و روشن‌سازی دامنه محاسن و کاستی‌های کتاب فراهم شده است و روشن می‌سازد که متن آن، با وجود رسایی و پرهیز از نقل اقوال مختلف، جمع بین تعریف اصطلاحات فریقین، ذکر مثال‌های مناسب و ارائه تعاریفات به زبان عربی، کاستی‌های قابل توجهی دارد؛ از جمله اشتباهات و مبهمات در برخی عبارات، قرار نگرفتن برخی مطالب در جایگاه بایسته، خطاهای نگارشی و تایپی، جاافتادگی، تکرار مطالب و عدم توجه به معیارهای زیبایی‌شناختی در عناوین و متون. پیشنهادات ارائه شده جهت رفع این نقیصه‌ها و تکمیل هر چه بهتر آن است. واژه‌های کلیدی: اصطلاحات حدیثی، شیعه، اهل سنت، *درایة الحدیث*، شادی نفیسی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

(masjed1214@yahoo.com)

Critique of the book, "Dirayat al-Hadith, A Reconsideration of Hadith Terminology in View of the Shia and the Sunni", written by Dr. Shadi Nafisi

Razieh Sadat Sajjadi¹

Received: 01/07/2021, Accepted: 25/12/2021

Abstract

The purpose of this applied research is to review and judge the book " Dirayat al-Hadith; Re-examination of Hadith Terms in the Perspective of the Differences" written by Dr. Shadi Nafisi and to offer suggestions to eliminate the shortcomings of the book and its better performance and prevent readers from misconception. The book was published jointly Samt and the Faculty of Hadith Sciences in Winter, 2007. It has been reprinted 12 times since then. Considering that this book has been compiled as the main source of Hadith term for theology students (Qur'an and Hadith sciences), there should be no or few scientific errors in it. In this article, data was collected through library method using terminology and specialized sources in Dirayat al-Hadith, and in processing data, qualitative analysis methods (critique and definition) have been used. Reviewing and clarifying the scope of the advantages and disadvantages of the book is provided which clarifies that the text, despite the accessibility and avoidance of quoting different quotations, combining the definition of the terms of the sects, mentioning appropriate examples and providing definitions in Arabic, has considerable weakness, including mistakes and ambiguities in some phrases, not putting some content in the right place, spelling and typographical errors, missing parts, repetition of content and not paying attention to aesthetic criteria in titles and texts. Suggestions are provided to eliminate these shortcomings and perfect the book.

Keywords: Hadith terminology, knowledge of Hadith, Shadi Nafisi, Shiites, Sunnis.

1. Assistant professor, Department of knowledge of Quran and Hadith, Qom University, Qom. Iran

مقدمه

کتاب درسی دانشگاهی ابزاری باارزش در آموزش و دانش‌افزایی است و در بیشتر دانشگاه‌های دنیا، بنیاد آموزش در حدقابل توجهی بر کیفیت آن‌ها استوار است. چه امروزه تحقق اهداف آموزش دانشگاهی بدون بهره‌گیری از آن‌ها ممکن نیست. بهبود کیفی هر کتاب مستلزم به کار بستن روش‌هایی برای تحقق این مهم است و از مقدم‌ترین آن‌ها بررسی و داوری است. چه از طریق بررسی و با کتدو کاو و پی‌جویی در کتب، شناسایی محاسن و کاستی‌های موجود در آن‌ها ممکن می‌شود و با کسب شناخت بیشتر می‌توان در راستای بالا رفتن محاسن یا زدودن کاستی‌های آن‌ها اقدام کرد (یوسفی و نصیری، ۱۳۹۵، ص ۹۶). کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش دارای شمار زیادی از ویژگی‌ها هستند که می‌توان آن‌ها را بدین ترتیب ذکر کرد: ۱) تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی؛ ۲) توان نظری و دلالت‌های کاربردی؛ ۳) توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای؛ ۴) فراگیری و روزآمدی؛ ۵) صلاحیت و کارنامه پدیدآورندگان؛ ۶) پاکیزگی نگارشی و ادبی؛ ۷) یکپارچگی محتوایی و ساختاری؛ ۸) همخوانی با دیدگاه‌های یادگیری؛ ۹) ماهیت تعاملی و توان انگیزشی؛ و ۱۰) ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱). افزون بر این‌ها، چگونگی نگارش متون تألیفی یا ترجمه‌ای، اعم از برگزیدن و نحوه به کار بستن اصطلاحات تخصصی در نوشته، رسا و روان بودن نثر، همخوانی زیاد متن ترجمه‌ای با نوشته اصلی یا اندازه وفاداری آن و نیز کیفیت نگارشی اعم از رسم الخط و صفحه‌آرایی تا کیفیت چاپ کتاب، از ملاک‌های شایان توجه در زمینه بررسی ویژگی‌های چنین آثاری است. پاکیزه بودن نثر و ساختار آن‌ها نیز در اندازه کارآمدی و اثربخشی این کتاب‌ها نقش بسزایی دارد (یوسفی و نصیری، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

از آنجا که هیچ نگاشته‌ای جز قرآن کریم - کتاب خدا - و مکتوبات معصومان^(ع) از خطا و سهو مصون نیست، نگارنده این مقاله را ضمن سال‌ها تدریس درس *مصطلح الحدیث و درایة الحدیث* و مطالعه کتاب درسی دانشگاهی *درایة الحدیث بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین*، تألیف شادی نفیسی، نکاتی به نظرش آمد که امید است تذکر آن مطالب، برای دانشجویان، محققان و مؤلف کتاب مفید باشد. نقد کتاب دانشگاهی در حوزه *مصطلح الحدیث*، علاوه بر نمایاندن مزایای کتاب، موجب رفع ابهام‌ها و نواقص و نابسامانی‌های موجود در این زمینه و یادگیری بهتر دانشجویان این رشته از علوم اسلامی شده، کارآمدی و اثر بخشی آن را افزون می‌کند.

نظر به انتشار نسبتاً گسترده کتاب مورد گفت و گو (دوازده بار تجدید چاپ) و با توجه به اینکه کتاب حاضر به منزله منبع اصلی درس مصطلح الحدیث در مقطع کارشناسی نگاشته شده است و هدف در این درس، آشنایی دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث با اصطلاحات حدیثی است که بتوان به واسطه آنها بر درستی یا نادرستی روایات دست پیدا کرد و حدیث مقبول را از غیر آن تشخیص داد و با عنایت به اینکه مصطلح الحدیث مجموعه‌ای از اصطلاحات و تعریف هریک از آنها در حوزه *درایة الحدیث* است، کوچک‌ترین اشتباهی، اصطلاحات را بر خواننده مشتبه می‌سازد و او را به خطا می‌افکند، لذا پیراسته شدن کتاب از هر نوع خطا و اشتباه محتوایی و ساختاری و شکلی، ضرورت تحقیق را آشکار می‌سازد.

مزایای کتاب *درایة الحدیث* باز پژوهی *مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین* را بر نگاشته‌های پیشین - همان‌گونه که مؤلف در مقدمه کتاب بیان کرده است - می‌توان در پرهیز از نقل اقوال مختلف، جمع بین تعریف اصطلاحات فریقین و ارائه تعاریف به زبان عربی دانست. افزون بر این، ذکر مثال‌های مناسب مربوط به هر یک از اصطلاحات، کتاب را از مجموعه‌ای تعریف خارج کرده و اصطلاحات را به صورت کاربردی نمایانده است. نظر به تدوین این کتاب به منزله منبع اصلی درس مصطلح الحدیث برای دانشجویان رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث)، بایسته است که اشتباهات علمی در آن وجود نداشته یا کم باشد. با توجه به اینکه بررسی و نقد آثار موجب تأکید بر نقاط قوت و یادآوری نقاط ضعف است، یادآوری این نکته لازم است که انتقاد از هر اثر، به معنای نقد نویسنده آن نیست، بلکه جهت تکمیل کار و بهینه‌سازی در چاپ‌های بعد است. این نوشتار با دو هدف صورت پذیرفته است: الف) بررسی و داوری درباره کتاب ذکر شده، بیان مزایا و کاستی‌های آن؛ ب) ارائه پیشنهاداتی در جهت رفع کاستی‌های کتاب و کارایی بهینه آن.

سؤالاتی که در این نوشتار بدان پاسخ داده می‌شود این است که این کتاب تا چه حد می‌تواند دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث را با اصطلاحات *درایة الحدیث* آشنا کند؟ وجود ابهام‌ها یا نواقص یا اشتباهات در عبارات کتاب، چه تأثیری در فهم مصطلحات حدیثی خواهد گذاشت؟ چه نقدهایی بر محتوا و ساختار کتاب وارد است؟

در پاسخ به سؤالات فوق می‌توان گفت که با توجه به اینکه مؤلف سعی در پرهیز از نقل اقوال مختلف، جمع بین تعریف اصطلاحات فریقین و ارائه تعاریف به زبان عربی داشته و مثال‌های مناسب برای هر یک از اصطلاحات آورده، کتاب را از مجموعه‌ای تعریف

خارج کرده و اصطلاحات را به صورت کاربردی نمایانده و بدین جهت، یادگیری اصطلاحات مشابه را آسان کرده است.

در عین حال وجود نواقص و اشتباهات و مبهمات موجود در برخی عبارات، نه تنها فهم مطالب را دچار مشکل می‌کند، بلکه گاه تعریف اشتباه را در ذهن خواننده جایگزین می‌سازد. نکته قابل ذکر اینکه به دلیل تشابه بعضی اصطلاحات و تعریف‌ها، حتی وجود یک خطا، کاملاً مطلب را برعکس در اذهان می‌نشانند. در مورد ساختار کتاب، قرار نگرفتن مطالب در جایگاه بایسته خود، خطاهای نگارشی، جاافتادگی‌ها، تکرار مطالب و اشتباهات تایپی، خود باعث تحیر خواننده و ایجاد مشکل در فهم مطالب می‌شود. عدم توجه به معیارهای زیبایی‌شناختی در عناوین و متون، از دیگر نکات قابل توجه در بررسی این کتاب است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

علم *درایة الحدیث* - که به اصول الحدیث و مصطلح الحدیث نیز نامبردار است - از دانش‌های اسلامی است که در زمینه نگارش آن به زبان فارسی استاد گرانقدر مرحوم کاظم مدیر شانه‌چی^(ره) از پیشگامان بوده و مصداق سابق بالخیرات به شمار می‌روند. شانه‌چی تألیف ۲ کتاب *علم الحدیث* و *درایة الحدیث* را در سال ۱۳۳۷ آغاز کرد و سپس در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۵۴ با تجدیدنظر و افزودن مطالب لازم و و پیراستن نواقص، مجدداً آن را به چاپ رساند. پس از وی که رکود چندین ساله‌ای در این مجال افتاده بود نگارش‌های دیگری از جانب فضلالی حوزه و دانشگاه صورت گرفت؛ از جمله: *علم حدیث اثر زین العابدین قربانی* (ذیل بحث علم *درایة* و اقسام حدیث)؛ *دانش درایة الحدیث* نوشته محمدحسن ربانی؛ *درس‌نامه درایة الحدیث*، و *علم الدرایة تطبیقی* هر دو تألیف سید رضا مؤدب؛ *بازخوانی مصطلحات حدیثی از منابع شیعی همراه با ذکر نمونه و بیان حکم*، نوشته فاطمه سروی ... یکی از این نگاه‌ها در این حوزه، کتاب *درایة الحدیث بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین* به قلم شادی نفیسی است.

این کتاب برای دانشجویان رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) به عنوان منبع اصلی درس «مصطلح الحدیث» در مقطع کارشناسی تدوین و در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث به طور مشترک منتشر شده و چاپ دوازدهم آن نیز در آبان

۱۳۹۸ بدون هیچ تغییری صورت گرفته است. در جست‌وجو و تحقیق صورت گرفته توسط نگارنده مقاله حاضر، کتاب یا مقاله‌ای در نقد و بررسی کتاب مورد بحث مشاهده نشد.

اما در حوزه نقد و بررسی کتاب‌های درایه الحدیث یا مصطلح الحدیث مقالاتی به شرح زیر نوشته شده است:

- ارجمندفر (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نقدی بر کتاب علم الحدیث و درایه الحدیث مرحوم کاظم مدیر شانه‌چی» به این نتیجه رسید که هر چند کتاب علم الحدیث و درایه الحدیث تألیف مرحوم کاظم مدیر شانه‌چی در میان آثار حدیثی جایگاه ویژه‌ای دارد، اما با نگاه نقادانه به کتاب مذکور می‌توان به مواردی دست یافت که طبق استدلال‌ات نویسنده با موازین حدیثی - تاریخی سازگاری ندارد.

- دلبری در مقاله‌ای با عنوان «کتاب دانش درایه الحدیث در بوتۀ نقد و معرفی» این کتاب را در دو بخش معرفی و نقد مورد بررسی کرده است. در بخش اول، ضمن معرفی کتاب به ذکر مطالب عنوان شده در فصل فصل کتاب مذکور پرداخته و ویژگی‌های ممتاز آن را در ذکر نمونه‌های حدیثی، مراجعه به منابع بسیار، بیان آرای حدیث پژوهان دانسته است. آنگاه کاستی‌های آن را در بخش نمونه‌های حدیثی، منابع، عدم رعایت ترتیب منطقی مباحث، عدم گزینش قول برتر، مباحث زاید، و انهدادن برخی مباحث، عدم ترجمه برخی متون عربی، نارسایی برخی عبارات‌ها، غلط‌های املائی و چاپی و اشتباهات محتوایی برشمرده است.

- جدیدی‌نژاد (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «مروری بر کتاب دانش درایه الحدیث و دیگر کتاب‌های دانش درایه»، چنان‌که خود گفته است بر آن بوده که ضمن معرفی اجمالی اثر مذکور، نقد گونه‌ای بر پاره‌ای از نقایص کتاب باشد و ایرادهای شکلی، اشتباه‌ها، برداشت‌های نادرست مؤلف و اغلاطی را که از برخی منابع مورد استفاده نویسنده، به کتاب راه یافته، متذکر شود. وی ابتدا به بیان مطالب تنظیم شده در فصل‌های کتاب پرداخته، آنگاه پس از ذکر امتیازات، کمبودها و کاستی‌های آن را در سه بخش الف) ایرادهای شکلی و نقایص کتاب؛ ب) اشتباه‌ها و برداشت‌های نادرست مؤلف؛ ج) اشتباه‌ها و اغلاطی که از منابع به کتاب راه یافته، دسته‌بندی کرده و ذیل هر عنوان، موارد متعددی را متذکر شده و همراه با نمونه‌هایی بدان اشاره کرده است.

چنان‌که از عناوین این مقالات برمی‌آید و متن آن‌ها نیز گواه است، هیچ‌کدام به نقد

کتاب مورد گفت‌وگوی حاضر نپرداخته‌اند. به دلیل اینکه مقاله آخر، قبل از تألیف این کتاب، به نگارش درآمده و صاحبان دو مقاله دیگر، درصدد نقد و بررسی کتاب دیگری بوده‌اند.

روش

روش گردآوری اطلاعات در این نوشتار، کتابخانه‌ای بوده و بررسی و داوری صورت گرفته در قالب پژوهش کیفی و بر روش اسنادی انجام شده است. در این روش جهت دریافت پاسخ پرسش‌های تحقیق، مطالعه کتب، مصطلح‌نامه‌ها و منابع تخصصی در علم *درایة الحدیث* مدنظر قرار گرفته است. در مطالعه کتاب، از روش مطالعه انتقادی استفاده شده است. مطالعه انتقادی عبارت است از مطالعه همراه با قضاوت در مورد درستی یا نادرستی مطالب و میزان اعتبار علمی آن‌ها براساس معیارهای صحیح علمی (کاسبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱). در پردازش اطلاعات از شیوه‌های تجزیه و تحلیل کیفی (نقد و تعریف) [بیان محاسن و معایب] استفاده شده است.

نقد یا انتقاد به معنای سره کردن و بیرون کردن درهم‌های ناسره از میان درهم‌هاست و در اصطلاح عبارت از شرح معایب و محاسن شخص، عملکرد، واقعه، خبر و نظر است (ستوده، ۱۳۷۱، ص ۴۹۰). از جمله اصول نقد، همه‌سونگری، اتکای بر عقلانیت و بی‌طرفی، تکیه بر شواهد و دلایل معتبر و جزئی و روشن بودن نقد است (همان). این مقاله نیز با به کارگیری روش اسنادی و بازبینی و روشن‌سازی دامنه محاسن و کاستی‌های کتاب فراهم شده است.

تعریف، عبارت است از روشن و آشکار ساختن چیزی که روشن و آشنا نیست (مظفر، ۱۴۰۰، ص ۹۷). با توجه به اینکه در دانش مصطلح‌الحدیث، اجزاء و جزئیات هر یک از اصطلاحات مورد کاربرد باید شناسایی و معین شود، لزوم تعریف در اینجا خودنمایی می‌کند. تعریف اصطلاحی به بیان معنایی از واژگان گفته می‌شود که در میان اهل علوم و فنون و به تعبیر دیگر در میان عرف خاص، معهود و مفهوم است (خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۹۳).

یافته‌ها

در بررسی کتاب ذکرشده، نابسامانی‌ها و نواقص را می‌توان به دو دسته کلی محتوایی و ساختاری تقسیم‌بندی کرد که در مجموع، موارد زیر را شامل می‌شود:

- الف) ابهام یا نقص یا اشتباه در عبارات
- ب) خطاهای نگارشی
- ج) جافتادگی‌ها
- د) قرار نگرفتن مطالب در جای بایسته
- ه) تکرار مطالب
- و) اشتباهات تایپی
- ز) کاستی‌ها

ح) وانهادن تعریف برخی اصطلاحات

از موارد فوق، اشکالات الف، ب و ج، محتوایی و بقیه موارد، ساختاری است. در این گفتار تلاش بر این است که مطالب دسته‌بندی شده ذیل هر عنوان، همراه با ذکر نمونه‌هایی از کتاب، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در پایان پیشنهادهای جهت رفع نواقص و کاستی‌ها و نابسامانی‌ها ارائه خواهد شد.

الف) ابهام یا نقص یا اشتباه در عبارات

در بررسی مطالب کتاب مورد گفت و گو، گاه خواننده به جملات مبهم و پیچیده برمی‌خورد که فهم مطلب را دشوار می‌سازد. همچنین برخی مطالب اشتباه یا نقص در عبارات مشاهده می‌شود؛ از جمله:

۱. در صفحه ۳۶ سطر ۷ آمده است: «در تعریف سنت، اصولیان و محدثان اهل سنت اختلاف کرده اند».

ابهام در این است که مشخص نیست منظور، اصولیان شیعه و محدثان اهل سنت است یا اصولیان اهل سنت و محدثان اهل سنت؟

۲. در صفحه ۴۰ سطر ۳ آمده است: «هر حدیث از دو قسمت تشکیل شده است، قسمت اول آن را سند و قسمت دوم آن را متن می‌گویند».

سؤال این است که استناد این مطلب به کدام یک از کتاب‌های درایة‌الحدیث و منقول از چه کسی است؟ با توجه به اینکه در پاورقی همین مطلب آمده است که «اطلاق حدیث بر سند از روی مسامحه و به علت اهمیت آن در مستند کردن متن است...».

۳. در صفحه ۴۶ در تعریف اصطلاح صحابی آمده است: «من لقی النبی مؤمنا به و مات علی الاسلام»، در پاورقی ۲ سطر ۳ این مطلب به چند جا ارجاع داده شده است؛

از جمله: منهج النقد...، تیسیر...، علوم الحدیث و مصطلحه...، تدریب...، الرعایه. آنگاه چنین افزوده شده: «البتة او، قید «و ان تخللت رده» را هم خود در تعریف آورده است، قید «مات علی الاسلام» بر همین امر دلالت دارد».

اولاً، معلوم نیست مرجع ضمیر «او» کیست؟ ثانیاً، مشخص نیست که مات علی الاسلام بر چه امری دلالت دارد؟ مات علی الاسلام به معنی این است که در حال ارتداد نمرده باشد، ولی ثابت نمی‌کند که بعد از اسلام مرتد شده و دوباره اسلام آورده و با اسلام مرده است.

۴. در صفحه ۶۶ سطر ۸ درباره ایمان راوی آمده است: «مراد ایشان (اصولیان و درایه‌نگاران شیعه) از ایمان، شیعه دوازده امامی بودن راوی است».

به نظر می‌رسد که این مطلب ناقص است، چرا که مراد علمای درایه از امامی مذهب بودن راوی این است که راوی، امام زمان خود و ائمه قبل را پذیرفته و امامشان را باور داشته باشد هر چند ائمه بعد از خود را نشناسد. به تعبیر یکی از علمای معاصر

در اصطلاح امروز ما، امامی به معنی اثنی عشری است و در مقابل زیدی و واقفی و سایر گروه‌های شیعه که دوازده امامی نیستند، قرار دارد؛ ولی روشن است که برای شیعیان زمان امام صادق (ع) دوازده امامی بودن شرط امامی بودن و صحت خبر راوی نیست. پس امامی بودن که شرط صحت خبر قرار گرفته به معنای صحت مذهب بر حسب زمان راوی است نه بر حسب زمان ما (شبییری زنجانی، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

هر چند در صفحه ۸۴ به نقل از *اصول الحدیث* به این مطلب اشاره شده است، ولی در اینجا نیز لازم بود که ذکر شود.

۵. در صفحه ۷۲ سطر ۸ آمده است: «در خبر متواتر، ویژگی خاصی مانند وثاقت برای راویان شرط دانسته نمی‌شود». در پاورقی ۳ همین صفحه آمده است: «البتة خصوصیات گزارشگران، از قبیل وثاقت یا ضعف، در تعداد مخبرانی که از سخنانشان یقین حاصل می‌شود، اثرگذار است».

به نظر می‌رسد صدر و ذیل همخوانی ندارند. به علاوه این مطلب که وثاقت یا ضعف در تعداد مخبران اثرگذار است، به چه معنی است؟ اگر به معنای این است که وثاقت یا ضعف راوی موجب می‌شود که خبر او را بپذیرند یا رد کنند، در نتیجه تعداد راویان کم یا زیاد شوند؛ که این معنا یعنی وثاقت برای راوی، شرط دانسته شده است. اگر هم وثاقت برای راویان، شرط نیست چرا در شمارش آن‌ها این ویژگی مورد نظر قرار می‌گیرد؟

۶. در صفحه ۸۴ سطر ۷ و ۸ آمده است: «ایمان نیز یکی از ارکان عدالت است که بدون آن راوی، فاسق تلقی می‌شود».

اگر کلمه «آن» به عدالت برگردد یعنی چنین است که اگر کسی عادل نبود حتماً فاسق است. آیا بین این دو (عدالت و فسق) درجه دیگری نمی‌توان یافت که نه فاسق باشد و نه عادل؟ اگر کسی متقی نباشد، گناه کبیره هم مرتکب نشود، اما هر از چندگاهی گناه صغیره از او سرزند می‌توان او را فاسق دانست؟

اگر «آن» به ایمان برگردد باز هم به این معنی نیست که فرد غیرمؤمن را فاسق بدانند؛ چنان که در سوره حجرات (آیه ۱۴) آمده است: «قالت الاعراب ائمانا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا اسلمنا و لما يدخل الایمان فی قلوبکم...».

۷. در صفحه ۸۶ سطر ۱۸ و ۱۹ آمده است: «اگر در سند یک حدیث، برخی راویان، عادل، برخی حسن و برخی ضعیف باشند، حدیث ضعیف تلقی می‌شود».

اولاً: هنوز حدیث حسن و ضعیف تعریف نشده و خواننده از این دو اصطلاح بی‌اطلاع است و در متن از این اصطلاحات سخن به میان آمده است. بهتر بود این مطلب در پایان تعریف تمام اقسام چهارگانه یا پنج‌گانه ذکر می‌شد.

همچنین در صفحه ۹۱ سطر ۱۸ و ۱۹ هنوز اصطلاح قوی تعریف نشده و خواننده نمی‌داند که قوی در چه مرتبه‌ای قرار دارد و آیا در درجه پایین‌تر از صحیح یا حسن یا موثق است، اصطلاحات قوی کالصحیح و قوی کالحسن و قوی کالموثق آمده است.

ثانیاً: در درایة‌الحدیث، راوی حَسَن وجود ندارد، بلکه حدیث حسن موجود است؛ مگر اینکه در اینجا حسن به منزله مدح آمده باشد که معمولاً در کتب رجال واژه حسن را به تنهایی به عنوان مدح به کار نمی‌برند بلکه با اضافه به کلمه دیگری مثل حَسَن الانتقاء (کلباسی اصفهانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۳۵)، حَسَن العبادة (صدر عاملی، بی‌تا، ص ۳۹۹) یا حَسَن المعرفة و الدین (همو) استعمال می‌شود. در هر حال حَسَن یکی از انواع حدیث است نه از صفات و ویژگی‌های اشخاص و راویان.

۸. در صفحه ۹۱ سطر ۱۲ و ۱۳ آمده است: «در این صورت که وثاقت راوی مستند به اجتهاد محقق باشد، «صحیح متوسط یا ادنی» تلقی می‌شود». از این عبارت چنین برمی‌آید که متوسط و ادنی یکی است؛ حال آنکه چنین نیست.

۹. در صفحه ۹۳ سطر ۵ آمده است: «داشتن معارض یکی از موانع حجیت حدیث است، لذا عالمان، فصلی را در اصول به بحث از این موارد و چگونگی رفع و عمل به آن

اختصاص داده اند». جمله ابهام دارد؛ بهتر است برای وضوح مطلب و رفع ابهام چنین نگاشته شود: «... و چگونگی رفع تعارض و عمل به اخبار متعارض ...».

۱۰. در صفحه ۹۸ پاورقی ۲ جمله‌ای پیچیده و مبهم بدین صورت آمده است: «به نظر می‌رسد اگرچه با توجه به استعمال مجهول در لسان حدیث پژوهانی مانند علامه مجلسی، برای سند، وجهی برای تعریف آن باشد، تعریف مهمل را می‌توان اشتباه تلقی کرد». در حالی که می‌شد مطلب را اینگونه ساده‌تر بیان کرد: «هرچند به نظر می‌رسد حدیث پژوهانی مانند علامه مجلسی، اصطلاح مجهول را برای سند به کار برده‌اند و این امر می‌تواند دلیلی برای این تعریف باشد، اما به کار بردن مهمل در مورد سند را می‌توان اشتباه تلقی کرد».

۱۱. در صفحه ۱۰۵ سطر ۱۲ و ۱۳ نوشته شده است: «سنن ترمذی از مهم‌ترین منابع که متضمن روایات حسن است. جهت شناخت حدیث حسن سامان یافته است».

در این زمینه باید گفت که سنن ترمذی تنها شامل حدیث حسن نیست و برای شناخت حدیث حسن هم نوشته نشده است؛ بدین معنی که مؤلف در مقدمه آن بیان نکرده که انگیزه من از نگارش این کتاب، شناساندن حدیث حسن بوده است. به علاوه که نام کتاب را بعضی چون حاکم نیشابوری در *المستدرک* با عنوان «الجامع الصحیح» یاد می‌کنند و کتاب شامل احادیث صحیح، حسن و ضعیف است. افزون بر این ترمذی در پایان بعضی احادیث می‌نویسد: «هذا حدیث حسن صحیح»؛ که کاربرد همین تعبیر، مباحث مفصلی در کتاب‌ها و بین دانشمندان اهل سنت برانگیخته است که آیا صحیح با حسن صحیح به یک معناست یا اینکه حسن صحیح یک درجه از صحت حدیث پایین‌تر است؟ (ابن صلاح، ۲۰۰۲، ص ۳۳-۳۶؛ صبحی صالح، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲؛ محمد عجاج خطیب، ۱۴۱۷، ص ۳۳۱؛ قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۸۳؛ محمد بن لطفی الصباغ، ۱۴۱۸، ص ۲۵۴-۲۵۶).

۱۲. در صفحه ۱۳۶، سطر ۸ آمده است: «عالمان شیعه، عموماً مرفوع را به معنای دوم (یکی از اقسام منقطع) به کار می‌برند». در صفحه ۱۳۸ سطر ۹ آمده است: «عموم روایات شیعه و اهل سنت مرفوع به معنای اول است». این دو نوشته با یکدیگر همخوانی ندارد، بلکه تعارضی آشکار است.

۱۳. در صفحه ۱۵۵، ذیل عنوان «کتاب‌شناسی حدیث مسند»، سطور ۷-۸-۹ آمده است: «این نوع از احادیث، در مجموعه مستقلی جمع‌آوری نشده‌اند. اما در شیعه کتاب‌های حدیثی متعددی، احادیث را به صورت مسند ارائه داده‌اند، برای نمونه در کتاب‌های زیر

اکثر احادیث به صورت مسند ذکر شده‌اند». در ادامه سه کتاب از کتب حدیث شیعه نام برده شده است.

از این سخن چنین برمی آید که در بین اهل سنت چنین کتاب‌هایی موجود نیست، در حالی که کتاب صحیح بخاری یا صحیح مسلم را نیز می‌توان از این جمله به شمار آورد و آن‌ها را مجموعه احادیث مسند دانست.

۱۴. در صفحه ۱۷۸ سطر ۱ و ۲ در تعریف حدیث معلل آمده است: «حدیث اشتمل علی امر خفی غامض فی متنه او سنده فی نفس الامر، قادح فی اعتباره مع کون ظاهره السلامة بل الصحة». در پاورقی ۱ که به همین متن برمی‌گردد نوشته شده است: «لفظ از مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۳۶۶». در ادامه همین پاورقی آمده است: «در تعریف‌های عالمان شیعه معمولاً «قادح» ذکر نشده است». آنگاه به الرعایه و وصول الاخیار و وجیزه استشهاد شده است.

سؤال اینجاست که مگر صاحب مقباس الهدایه شیعه نیست؟ بهتر بود چنین نوشته می‌شد: «در تعریف‌های دیگر عالمان شیعه معمولاً قادح ذکر نشده است».

ب) خطاهای نگارشی

خطاهای نگارشی بخشی دیگر از نکاتی است که بهتر است کتاب‌های درسی عاری از آن بوده یا لاقلاً درصد کمی را دارا باشد. از جمله خطاهای نگارشی در کتاب مورد بحث، مصادیق زیر قابل ذکر است:

۱. در صفحه ۳۸ پاورقی ۶ سطر ۲؛ صفحه ۱۱۱ سطر ۳ و نیز صفحه ۱۹۹ پاورقی ۴ سطر ۲ واژه «اکثراً» آمده است، حال آنکه واژه «اکثر» غیر منصرف و تنوین ناپذیر است. می‌توان کلمات اغلب، اکثر یا بیشتر را جایگزین آن کرد.

۲. در صفحه ۴۷ سطر ۱۴ آمده است: «فردی که با داشتن شرایط پیشین، پیامبر اکرم را ملاقات کند، اما دوباره از اسلام برگردد و در حالت ارتداد بمیرد صحابی تلقی نمی‌شود». واژه «دوباره» در اینجا اضافی است، چرا که او یکبار بیشتر بر نمی‌گردد.

۳. در صفحه ۵۳ سطر ۴ آمده است: «... ولم أدرک النبی». حال آنکه لم بر سر افعال مضارع می‌آید نه ماضی. باید چنین نوشته می‌شد: «لم یدرک النبی» یا «ما ادرک النبی».

۴. در صفحه ۶۵ سطر ۵ و ۶ آمده است: «عدالت به وجود پنج ویژگی در راوی شناخته می‌شود: اسلام، بلوغ، عقل، عدم ارتکاب فسق، و عدم ارتکاب اعمال ناجوانمردانه».

در اینجا عدم ارتکاب کارهای خلاف مروت یا خلاف جوانمردی به ناجوانمردانه ترجمه شده است، در حالی که ناجوانمردانه در زبان فارسی به معنی ظالمانه و بیادگرانه است و ناجوانمرد به معنی بدسرشت، دون‌همت، فرومایه، سفله، ظالم، بی‌عفت و بخیل است (معین، ذیل «ناجوانمرد») که به نظر می‌رسد با این معنی همخوانی ندارد.

۵. در صفحه ۱۰۸ سطر ۱۶ آمده است: «این اقسام اصلی حدیث در اهل شیعه و سنت بعضاً دارای تقسیمات فرعی، مراتب و کاربردهای مختلفی است». شیعه به معنی پیروان ولایت حضرت علی^(ع) است. کاربرد واژه «اهل شیعه» نامانوس، غیر معمول و اشتباه است.

ج) جافتادگی‌ها

جافتادگی یک کلمه یا یک عبارت گاه موجب اشتباه یا ابهام مطلب می‌شود؛ از جمله افتادگی‌های کتاب حاضر، موارد زیر قابل توجه است:

۱. صفحه ۴۳ سطر ۶: «محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین بن ابی عمیر». صحیح آن چنین است: «محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن ابن ابی عمیر».
 ۲. صفحه ۶۱ سطر ۹: «آن‌ها احادیث را با توجه به آخرین راوی آن، با توجه به ... تقسیم کرده‌اند». عبارت صحیح باید چنین باشد: «آن‌ها احادیث را با توجه به اولین و آخرین راوی آن، با توجه به ... تقسیم کرده‌اند».
 ۳. صفحه ۱۲۶ سطر ۵: «در این صورت گفته می‌شود که این حدیث «غریب من هذا الوجه» یعنی از طریق صحابی ۱ است».
- عبارت صحیح این است: «در این صورت گفته می‌شود که این حدیث «غریب من هذا الوجه» یعنی از طریق صحابی ۱ غریب است».

د) قرار نگرفتن مطالب در جای بایسته

از جمله نکات گفتنی در مورد کتاب مورد بحث این است که گاه مطالبی در جای مناسب و بایسته قرار نگرفته و یا اینکه نمی‌توان توجیهی برای قرار گرفتن مطلب در آن مکان در نظر گرفت؛ از آن جمله موارد زیر قابل توجه است:

۱. در صفحه ۳۰ سطر ۴، تعریف مشهور شیعه از حدیث آمده است. در سطر ۸ ذکر شده است که در بین اهل سنت نیز عده‌ای تعریفی نزدیک به آن را انتخاب کرده‌اند که

البته دیدگاه مشهور نیست.

در حالی که در صفحه ۳۲ تعریف اهل سنت جداگانه نقل شده است و بهتر بود که مطلب سطر ۸ نیز در صفحه ۳۲ می‌آمد نه در ضمن تعریف شیعه.

۲. در صفحه ۳۶ سطور ۱۵-۱۶-۱۷، ذیل عنوان سنت، آمدن بحث کتاب‌های سنن در اینجا بی‌مورد است، به خصوص که در پایان کتاب صفحه ۳۱۴ و ۳۱۵ از کتب سنن یاد شده و تعریف آن نیز مذکور است.

۳. در صفحه ۳۷ سطر آخر و صفحه ۳۸ سطر ۱ و ۲ اضافی است و به نظر می‌رسد ذکر معنی خبر در اصطلاح تمام علوم ضرورتی ندارد.

۴. در صفحه ۱۷۷ معلل به بخش احادیثی ملحق شده است که در سلسله‌سند آن افتادگی وجود دارد. حال آنکه معلل تنها مشکل سندی ندارد، بلکه همان‌طور که در تعریف معلل (ص ۱۷۸ سطر ۱ و ۲) آمده است اشکال متنی هم می‌تواند داشته باشد به خصوص مواردی چون مخالفت با قواعد عربی یا مخالفت با دلیل قاطع که در پاورقی ۲ صفحه ۱۸۰ برای مثال ذکر شده است. با توجه به موارد فوق آوردن این نوع در این بخش ناموجه است یا لاقبل از این جهت توجیه پذیر نیست.

در همین بخش بیان شده است که مهم‌ترین تدلیس، تدلیس در اسناد است.

این مهم‌ترین دانستن بر چه مبنایی است؟ در حالی که بسیاری از موارد، تدلیس شیوخ موجب قطع اتصال نمی‌شود، اما مؤلف دلیل ذکر تدلیس را در این بخش، عدم اتصال دانسته‌اند که کاملاً هم‌خوانی ندارد.

۵. در صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲ معلل (به معنای حدیثی که متضمن علت حکم باشد) در ضمن احادیث ضعیف و احادیثی که در سند آنها افتادگی وجود دارد آمده است. حال آنکه باید در جای دیگری جز اینجا نیز این اصطلاح و تعریف آن می‌آمد.

در ضمن در همین جا هم حکم حدیث معلل — به معنای دارا بودن علت حکم — ذکر نشده است و خواننده از این مطلب چنین درمی‌یابد که انواع حدیث معلل به معنای اول و دوم هر دو ضعیف به شمار می‌روند؛ حال آنکه چنین مطلبی صحیح نیست.

۶. در صفحه ۲۷۷ عنوان چنین است: «خبر واحد با توجه به ویژگی‌های سندی حدیث مؤید».

ذیل این عنوان اصلی، سه عنوان فرعی (الف) متابع، (ب) شاهد، (ج) اعتبار آمده است. در حالی که اعتبار زیر مجموعه این عنوان اصلی نیست. هر چند مؤلف به این نکته

اشاره کرده است، ولی با توجه به قرار گرفتن این عنوان فرعی ذیل عنوان اصلی چنین به نظر می‌رسد که اعتبار نیز قسیم متابع و شاهد است، حال آنکه چنین نیست.

۷. مؤلف در پایان هر اصطلاح، تحت عنوان کتاب‌شناسی، سعی کرده است کتاب‌هایی را معرفی کند که آن احادیث را در بر داشته باشند؛ مثلاً بعد از تعریف حدیث صحیح، به کتاب‌هایی همچون صحیح بخاری و مسلم اشاره می‌کند که مؤلفان این کتب بر این باور بوده‌اند که تمام احادیث موجود در کتابشان، صحیح است. انتظار خواننده این است که در تمام کتابشناسی‌ها چنین عمل شود، درحالی‌که در بعضی موارد، کتاب‌هایی معرفی می‌شود که درباره آن موضوع و اصطلاح خاص نوشته شده است، نه اینکه کتابی باشد که چنان احادیثی را در خود داشته باشد؛ مثلاً در صفحه ۲۹۳، ذیل تعریف حدیث موضوع، در بخش کتابشناسی، کتاب‌های *الموضوعات*، *الاخبار الدخیلة* و *الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة* معرفی شده است. درحالی‌که چنین نیست که مؤلفان این کتاب‌ها فقط با هدف جمع‌آوری احادیث موضوعه، این کتاب‌ها را نوشته باشند؛ بلکه مثلاً در کتاب *الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة* ذیل عنوان هر راوی، مؤلف، هم روایات صحیح او را ذکر می‌کنند و هم به بعضی از روایات موضوع و ضعیف او می‌پردازند و آن را مورد نقد قرار می‌دهند. حال آنکه این کتاب، هم‌ردیف با *الموضوعات* ابن جوزی آمده که هدف از نگارش آن کاملاً متفاوت است.

به نظر می‌رسد اگر نویسنده کتاب در بخش کتابشناسی دو دسته کتاب معرفی می‌کرد، بهتر بود؛ مثلاً ذیل حدیث صحیح، دسته اول، کتاب‌هایی که در آن‌ها احادیث صحیح گرد آمده است؛ دسته دوم، کتاب‌هایی که درباره حدیث صحیح و انواع آن تألیف شده است. همچنین ذیل حدیث موضوع، دسته اول کتاب‌هایی که در آن‌ها به جمع‌آوری و ارائه احادیث موضوع پرداخته شده؛ دسته دوم کتاب‌هایی که درباره حدیث موضوع و انواع آن و نقد و بررسی روایات موضوع نوشته شده است.

ه) تکرار مطالب

در نگاشتن کتاب‌های درسی گاه لازم می‌آید که نویسنده، مطلبی را تکرار کند تا با یادآوری آن، خواننده عبارات بعد را بهتر دریابد، اما تکرار بدون جهت عبارت، فایده‌ای در بر ندارد. در کتاب حاضر، موارد زیر در این زمینه قابل ملاحظه است:

۱. مطالب صفحه ۲ و ۳ در صفحه ۲۶، ۲۷ و ۲۸ (شیوة تقسیم‌بندی کتاب‌های

درایه) کاملاً تکرار شده است.

۲. صفحه ۶۲ سطور ۸ تا ۱۳ عیناً در صفحه ۸۱ سطور ۱۰ تا ۱۶ مکرر آمده است.

۳. صفحه ۷۰ سطور ۱۳-۱۴-۱۵ (اقسام خبر) در صفحه ۷۶ سطور ۴-۵-۶ در بیان حکم متواتر، تکرار شده است.

۴. صفحه ۱۱۰ پاورقی ۲ تعریف حدیث مستفیض دوباره در صفحه ۱۱۱ در شرح تعریف همان مطالب پاورقی، در متن کتاب آمده است.

۵. صفحه ۱۴۵ سطر ۵-۶ (این اصطلاح صرفاً در شیعه به کار می‌رود) در سطر ۱۳ همین صفحه آمده است.

۶. صفحه ۲۶۴ سطور ۹ تا ۱۲ ویژگی‌های حدیث شاذ آمده است. در صفحه بعد (ص ۲۶۵) سطر ۱۵ و ۱۶ عیناً تکرار شده است.

(و) اشتباهات تایی

به عنوان آخرین نکته، رفع اشتباهات تایی موجود در کتاب و تصحیح آن‌ها، برخی از کژفهمی‌ها را برطرف می‌سازد:

صفحه ۳۰ پاورقی ۱: «فصل» به جای «فعل».

صفحه ۴۹ پاورقی ۲ سطر ۶: «در توضیحات دیگری عالمان»، به جای «در توضیحات دیگر عالمان».

صفحه ۱۱۱ سطر ۱۰: «... به طریق متعدد گزارش کرده‌اند»، به جای «... به طرق متعدد گزارش کرده‌اند».

صفحه ۱۱۵ سطر ۸: «المقاصد الحسنه فی بیان (بضم نون)»، به جای «المقاصد الحسنه فی بیان (به کسر نون)».

صفحه ۱۳۶ سطر ۲: «... در وقوف و مقطوع...»، به جای «... در موقوف و مقطوع...».

صفحه ۱۶۳ پاورقی ۳ سطر ۳: «استطرا لا»، به جای «استطرادا».

صفحه ۱۸۷ سطر ۱: دو بار آمده است: «حکم حدیث مدلس» (به کسر لام)، که اشتباه است و باید حکم حدیث مدلس (به فتح لام) باشد. مگر اینکه به معنای حکم حدیثی بگیریم که فرد مدلس (به کسر لام) نقل می‌کند که در این صورت چنین تعبیری کاربرد ندارد.

صفحة ۱۸۹ سطر ۴: «عموم اتصال»، به جای «عدم اتصال».
صفحة ۱۹۲ سطر ۷: «اسم خبر ان»، به جای «اسم و خبر ان».
صفحة ۱۹۵ پاورقی ۴ سطر ۴: «کم تر از ضعیف در امان اند»، به جای «کم تر از ضعیف در امان اند».
صفحة ۲۰۷ سطر ۴: «الراوی والمروی عنه ان الستویا فی السن»، به جای «الراوی و المروی عنه ان استویا فی السن».
صفحة ۲۰۸ سطر ۶: «او فی اللقاء او فی اعتذار»، به جای «او فی اللقاء او فی المقدار».
صفحة ۲۱۲ سطر ۲: «در اصل از آن حدیث نیست»، به جای «در اصل آن حدیث نیست».

بحث و نتیجه گیری

در بررسی کتاب *درایة الحدیث؛ بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین*، نوشته شادی نفیسی، نتایج زیر از جهت محتوا قابل ذکر است:

الف) مؤلف در تعریف اصطلاحات، تعریف‌ها و نظرات متفاوت را مطرح کرده و به مقایسه آن‌ها پرداخته و در پایان نظر خود را نیز با دلیل مناسب آورده است.

ب) امتیاز اطلاعات کتاب بر کتاب‌های مشابه، همان‌طور که مؤلف در مقدمه کتاب آورده است در بررسی تطبیقی اصطلاحات حدیثی بین فریقین، ارائه تعاریف به زبان عربی، رعایت ساختار ثابت در ارائه هر اصطلاح و ذکر مثال‌های مناسب جهت آسان کردن یادگیری اصطلاحات است.

ج) بسیاری از اطلاعات عنوان شده در کتاب، ضروری است، ولی در این بین بعضی مطالب بی‌ارتباط نیز وجود دارد.

د) مؤلف سعی کرده است که سبک مناسب و روشنی برای بیان مقصود خویش به کار گیرد، ولی در مواردی ابهامات و پیچیدگی‌هایی در انتقال مطالب به چشم می‌خورد.

در نقد کتاب مورد بحث، می‌توان نقاط ضعف آن را در چند دسته عنوان کرد:

عبارات ناقص یا اشتباه یا مبهم که خواننده را به تردید می‌اندازد. گاه قرار نگرفتن مطلبی در جای مناسب مطالعه‌کننده را به خطا می‌افکند. خطاهای نگارشی و جافتادگی‌ها و تکرار مطالب و اشتباهات تایی از نکات قابل تأمل در این کتاب است؛ به علاوه کاستی‌هایی که با رفع همه آن‌ها می‌توان کتابی با کم‌ترین نقص به منزله کتاب درسی

دانشگاهی به جامعه علمی ارائه کرد.

موارد زیر کاستی‌هایی است که رفع آن موجب تکمیل کار می‌شود یا پیشنهاداتی جهت استفاده بهتر از این کتاب است:

۱. در صفحه ۷۴ سطر ۴ آمده است: «خبر متواتر را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند». خوب بود در پاورقی به متواتر اجمالی هم اشاره می‌شد هرچند در عمل به متواتر معنوی برگشت می‌کند.

۲. صفحه ۳۹ سطر ۳: بحث از اثر و تعریف آن است. بجا بود در اینجا از تفسیر اثری هم یاد می‌شد.

۳. در صفحه ۷۸ سطر ۳ چنین آمده است: «بهترین اقسام خبر واحد، مانند خبر واحد صحیح که راویان آن مورد اعتمادند، یا خبر واحد مستفیض که طرق آن متعدد است هم صرفاً ایجاد ظن می‌کنند، مگر آنکه به استناد قرائن و شواهدی خارج از خبر، بتوان از صدور آن‌ها یقین حاصل کرد». در اینجا مناسب است لااقل به دو مورد از این قرائن و شواهد اشاره شود.

۴. در صفحه ۷۸ سطور ۸-۹-۱۰ شماره ۲ چنین آمده است: خبر متواتر خبری است که گزارشگرانش آن قدر زیاد باشند که به طور معمول تبانی آن‌ها بر کذب محال باشد و این ویژگی (کثرت گزارشگران) در همه طبقات استمرار یابد». می‌توان جمله چهارم را در جمله دوم به این صورت گنجانند: «خبر متواتر خبری است که گزارشگرانش در همه طبقات، آن قدر زیاد باشند که به طور معمول تبانی آن‌ها بر کذب محال باشد».

۵. در صفحه ۸۶ سطر ۴ و صفحه ۸۸ سطر ۳ آمده است: «در این نوع روایت، ویژگی‌های کلی (اتصال، و رسیدن به معصوم) وجود دارد». چنین ابهامی به وجود می‌آورد که اتصال و رسیدن به معصوم یکی است. مناسب‌تر بود چنین بیان شود: «... (اتصال سند و رسیدن به معصوم)» که در این صورت اتصال سند به معنی عدم انقطاع سند و پیوستگی راویان است و رسیدن به معصوم به معنی اینکه مثلاً روایت موقوف یا مقطوع نباشد.

۶. در کتاب مورد بحث، به برخی از اصطلاحات مورد بحث در علم درایة الحدیث پرداخته نشده و حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به بعضی از این مطالب صورت نگرفته است؛ این اصطلاحات عبارت است از:

نص، ظاهر، مجمل، مبین، مؤول، حافظ، إخراج، تخریج، مُملی، مُستَملی، مُعید،

اصحاب اجماع، مُحکَم، متشابه السند، سابق، لاحق، مصافحه، مساوات، تحریف، نوادر، تراجم، مَشِيخَة، مُكَاتَب، القاب و کنیه‌های معصومان^(ع).

۷. در فهرست مطالب از صفحه ۸۱ به بعد که تقسیم‌بندی خبر واحد انجام می‌شود، با توجه به اینکه تقسیم‌بندی نامانوسی در کتاب به کار رفته است پیدا کردن اصطلاحات از طریق فهرست، عملاً امکان‌پذیر نیست. خواننده باید تمام کتاب را بگردد تا اصطلاح موردنظر را بیابد. بر این اساس بسیار مناسب است که ذیل هر یک از تقسیمات یا لااقل مقابل هر کدام از آن‌ها در هلالین نام احادیث، ذکر شود؛ مثلاً:

- خبر واحد براساس ویژگی‌های راویان:

صحیح

حسن

موثق

ضعیف

- ملحقات

قوی

مجهول

مهمل

یا به صورت زیر:

- خبر واحد براساس ویژگی‌های راویان (صحیح - حسن - موثق - ضعیف)؛

- ملحقات (قوی - مجهول - مهمل).

۸. نمودارهای احادیث بیشتر برای خطوط چینی و ژاپنی مناسب است تا خط فارسی یا عربی. در خطوط چینی و ژاپنی، به صورت عمودی نوشته می‌شود، ولی در خطوط فارسی و عربی، به صورت افقی و از راست به طرف سمت چپ نگاهشده می‌شود. در نوشتن احادیث نیز همین گونه است، لذا خواننده انتظار دارد که رسم نمودار احادیث نیز از راست به چپ انجام شود؛ به این صورت:

تبع تابعی -- تابعی -- صحابی -- معصوم (ع)

در رسم نمودار احادیث، درجات و مراتب طبقات مختلف از نظر مقام و موقعیت معنوی یا اجتماعی، موردنظر نیست که معصوم در بالا و سپس صحابی در طبقه پایین‌تر و آنگاه بقیه در سایر طبقات قرار گیرند؛ چنان‌که تاکنون دیده نشده است که مثلاً در کتاب

کافی یا تهذیب الاحکام، سند حدیث را به صورت عمودی بنویسند و آنگاه حدیث را افقی بنگارند.

۹. ناهماهنگی‌هایی در ارجاعات موجود در پاورقی‌ها مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه مؤلف ارجاع به کتاب، و نه نام نویسنده را برگزیده است، انتظار می‌رود که در سرتاسر کتاب این رویه به کار گرفته شود، اما در مواردی این شیوه رعایت نشده و علاوه بر نام کتاب، نام نویسنده نیز در پاورقی آمده است، با وجود اینکه تنها از یک اثر آن نویسنده استفاده شده و تنها یک کتاب، با آن نام وجود داشته است؛ از جمله: صفحه ۱۰ (ابن حجر، نزهة النظر)، صفحه ۱۱ (صدوق، معانی الاخبار)؛ (مامقانی، مقباس ...)؛ صفحه ۱۲ (شیخ آغابزرگ تهرانی، الذریعه)؛ صفحه ۱۵ (عتر، منهج النقد...)؛ صفحه ۱۹ (ابن حجر، النکت)؛ و صفحه ۲۱، ۳۲، ۳۶، و

۱۰. پیشنهاد می‌شود در فهرست منابع، مصادر فارسی و عربی و مقاله‌ها از یکدیگر تفکیک شوند و با توجه با اینکه در این کتاب، از بیش از ۱۰۰ مصدر استفاده شده است، در کنار هر کدام، عدد قرار گیرد تا علاوه بر آنکه تعداد منابع استفاده شده مشخص باشد، تشخیص هر مصدر از مصادر قبل و بعد، به راحتی صورت گیرد.

۱۱. وجود دو عامل ظاهر و محتوای کتاب که در کنار یکدیگر، کتابی را قابل خواندن می‌کند؛ بدین جهت افزون بر محتوای کتاب درسی دانشگاهی، نباید ویژگی‌های ظاهری آن نیز مغفول بماند.

با نگاهی گذرا بر صفحه‌آرایی کتاب، می‌توان دریافت که پس از پایان هر بخش، بلافاصله و فقط با فاصله یک سطر، بخش جدید و تقسیم‌بندی بعدی آمده است. نوع فونت استفاده شده در عناوین با مطالب ذیل آن یکسان است؛ تنها عناوین کمی بزرگ‌تر نوشته شده و مانند کتاب‌های معرفی شده در بخش کتابشناسی، به صورت ایتالیک آمده است، ولی این تفاوت تغییر چندانی در شکل ظاهری کلمات به وجود نیاورده است.

در حالی که «کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) از عوامل جذابیت کتاب است؛ برای مثال، از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازه و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات، علاوه بر آنکه توجه دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند موجب چشم‌نوازی صفحات می‌شود» (رضی، ۱۳۸۸، ص ۲۸). برخی از این ویژگی‌ها همچون استفاده از فونت و رنگ متفاوت در اثر مورد بحث رعایت نشده است. هر چند متن احادیث با داشتن اعراب و شکل، متمایز از مطالب کتاب آمده، اما رسم الخط

کل مطالب کتاب به جز اصطلاحات مورد تعریف و نام کتاب‌های معرفی شده در هر بخش یکسان است و ایتالیک آمدن این عناوین، موجب تفاوت محسوسی نشده است و همین عوامل از جذابیت کتاب می‌کاهد.

با توجه به اینکه اثر فوق کتاب درسی دانشگاهی است، به نظر می‌رسد برای اینکه مطالب از حالت یک‌نواختی خارج شود و تنوعی در صفحه آرایی کتاب صورت پذیرد: الف) در آخر هر دسته‌بندی و بعد از پایان تحقیق و قبل از آغاز تقسیم جدید، یک حدیث همراه با ترجمه بیاید.

ب) هر تقسیم‌بندی، از ابتدای صفحه جدید آغاز شود.

ج) قسمت خلاصه مبحث، در چارچوب و قاب قرار گیرد.

د) نمونه‌ها در قاب قرار گیرد.

ه) اندازه اصطلاحات عناوین بزرگ‌تر شود.

و) مواردی همچون: توجه، نکته، در لغت و در اصطلاح، که در ابتدای برخی سطور آمده است پررنگ‌تر نوشته شود. به گونه کنونی، اصلاً جلب توجه نمی‌کند.

ز) اصطلاحات صحیح، حسن، موثق و ضعیف، به صورت عنوان، و در سطری مجزا مانند سایر اصطلاحات نگاشته شود.

در خاتمه مجدداً متذکر می‌شود که آنچه آمد از ارزش کتاب نمی‌کاهد، بلکه تنها نکاتی جهت تکمیل کار و استفاده بهتر از مطالب و محتوای آن است.

منابع

قرآن کریم.

ابن صلاح، ع. (۲۰۰۲). *معرفة انواع علم الحديث، (مقدمه ابن صلاح)*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ارجمندفر، م. (۱۳۸۷). *نقدی بر کتاب علم الحديث و درایت الحديث مرحوم کاظم مدیر شانه‌چی*. مشکوة، ۱۰۱، ۱۲۱-۱۳۰.

جدیدی‌نژاد، م. ر. (۱۳۸۱). *مروری بر کتاب دانش درایه‌الحديث و دیگر کتاب‌های دانش درایه*. علوم حدیث، ۲، ۱۷۱-۲۰۵.

خوانساری، م. (۱۳۶۶). *دوره مختصر منطق صوری*. تهران: دانشگاه تهران.

دلبری، س. ع. (۱۳۸۱). *کتاب دانش درایه‌الحديث در بوته نقد و معرفی*. *آموزه‌های قرآنی*، ۲، ۲۳۳-۲۴۸.

رضی، ا. (۱۳۸۵). *شاخصه‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاه*. تهران: سمت.

ستوده، غ. ر. (۱۳۷۱). *مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*. تهران: سمت.

صالح، ص. (۱۳۶۳). *علوم الحديث و مصطلحه*. قم: رضی.

- صدر حسینی، س.ع.ر. (۱۳۸۶). پژوهشی در علم درایت‌الحدیث، تقریرات درس درایت‌الحدیث آیت‌الله شبیری زنجانی. قم: دارالحدیث.
- صدر عاملی کاظمی، س.ح. (بی تا). *نهاية الدراية في شرح الوجيزة*. تحقیق م. غرباوی. تهران: مشعر.
- عجاج خطیب، م. (۱۴۱۷ق). *اصول الحدیث و مصطلحه*. بیروت: دارالفکر.
- قاسمی، ج. (۱۳۹۹ق). *قواعد التحديث*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- کاسبی، ب. (۱۳۸۳). *چگونه تندخوانی کنیم*. ترجمه ع.ع. شاملی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کلباسی اصفهانی، ا. (۱۴۱۹ق). *سماء المقال*. تحقیق م. حسینی قزوینی. قم: مؤسسه ولی‌العصر للدراسات الاسلامیة.
- لطفی صباغ، م. (۱۴۱۸ق). *الحدیث النبوی مصطلحه بلاغته کتبه*. بیروت: المکتب الاسلامی.
- معین، م. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: اشجع و میکائیل.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). *صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش*. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- یوسفی، ن.، و غفار نصیری، ه. (۱۳۹۵). *نقد و بررسی نسخه فارسی کتاب خانواده‌درمانی اثر گلدنبرگ و گلدنبرگ*، ترجمه حسین شاهی برواتی، نقشبندی و ارجمند. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۳۹، ۱۱۸-۹۶.